

## اخبار و گزارش های کارگری 7 خرداد ماه 1405

جنگ و جنگ افروزی، کشتار انسان ها، خانه خرابی و ویرانی، آوارگی و بیکاری نه

صلح، کار و آبادانی آری

افزایش بودجه نظامی و کاهش بودجه خدمات عمومی، خصوصی سازی آموزش و درمان، ریاضت اقتصادی، کاهش قدرت خرید، حقوق بخورونمیر و افزایش فقر نه

آموزش و درمان رایگان و حقوق متناسب با هزینه های زندگی و حفظ کرامت انسانی آری

اعدام، زندان و شکنجه؛ آزار و اذیت در خیابان، محل کار و زندگی؛ سانسور و قطع سراسری اینترنت جهانی؛ تبعیض و اینترنت طبقاتی نه

آزادی عقیده، بیان، تشکل و تجمع و سبک زندگی و اینترنت و ارتباط جهانی برای همه آری

حکومت های دیکتاتوری و ضد کارگری، حکومت اسلامی ایران نه

دموکراسی و عدالت اجتماعی آری

- کنش های کارگران مجتمع فولاد مکران چابهار برای پرداخت 9 ماه حقوق معوقه

- کارگران گروه ملی فولاد: در این شرایط سخت که مردم زیر بار تورم و گرانی کمر خم کرده اند، چگونه برخی مسئولین به خود اجازه می دهند از حق و نفقه کارگر بزنند؟

- تحصیل در سایه انفجار قیمت ها؛ دانشجویان به مهاجرت به هر قیمت یا اشتغال در مشاغل سطحی و نامربوط فکر می کنند.

- پیام همبستگی تشکل های مستقل کارگری ایران به کارگران، اتحادیه ها و تشکل های کارگری همه کشورهای جهان

- عفو بین الملل: سرکوب گسترده در ایران تحت پوشش شرایط جنگی

\*\*\*\*\*

\*کنش های کارگران مجتمع فولاد مکران چابهار برای پرداخت 9 ماه حقوق معوقه

روز پنج شنبه 9 خرداد، کارگران پیمانی مجتمع فولاد مکران چابهار از کنش هایشان برای پرداخت 9 ماه حقوق معوقه، خبر دادند.

آنها به یک منبع خبری محلی گفتند: کارگران پیمانکاری شرکت فولاد مکران چابهار، 9 ماه حقوق معوقه دارند.

آنها افزودند: با وجود مراجعات و پیگیری های مکرر، تاکنون پاسخ روشنی از سوی مسئولان شرکت درباره زمان پرداخت مطالباتشان دریافت نکرده اند.

آنها گفتند: بخش زیادی از کارگران در شرایط دشوار اقتصادی قرار گرفته و ناتوانی در تأمین هزینه‌های روزمره، فشار سنگینی بر خانواده‌ها وارد کرده است.

کارگران پیمانکاری فولاد مکران همچنین از بی‌نتیجه ماندن اعتراض‌ها و درخواست‌های خود خبر داده و خواستار رسیدگی فوری مسئولان به وضعیت معوقات مزدی شده‌اند.

**کارگران گروه ملی فولاد: در این شرایط سخت که مردم زیر بار تورم و گرانی کمر خم کرده‌اند، چگونه برخی مسئولین به خود اجازه می‌دهند از حق و لقمه کارگر بزنند؟**

با سلام و احترام خدمت همه همکاران عزیز

آرزو داریم در این روزهای سخت و پرتلهاب، سلامتی، آرامش و سفره‌ای آبرومند نصیب همه خانواده‌های کارگری شود.

در ماه‌های اخیر شاهد تحولات و تصمیمات گسترده‌ای در سطح شرکت بودیم، تغییراتی که متأسفانه نه‌تنها به سود کارگر و مجموعه نبوده، بلکه فشار مضاعفی بر قشر کارگر وارد کرده است. مسئولین شرکت در فضایی پر از استرس، نگرانی و بحران ناشی از شرایط جنگی و وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی کشور، از فرصت سوءاستفاده کرده و تا توانستند قوانین و مزایای شرکت را به نفع خود تغییر دادند.

از دست بردن در حقوق‌های جدید گرفته تا کاهش اضافه‌کاری کارگران، حذف جمع‌کاری، حذف هزینه غذا و کاهش پاداش‌ها؛ همه این اقدامات بخشی از فشارهایی است که امروز بر دوش کارگر گذاشته شده است. سؤال ما این است، در این شرایط سخت که مردم زیر بار تورم و گرانی کمر خم کرده‌اند، چگونه برخی مسئولین به خود اجازه می‌دهند از حق و لقمه کارگر بزنند؟

کارگری که با گرمای طاقت‌فرسای خوزستان، با جان و جسم خود چرخ تولید را می‌چرخاند، امروز باید نگران حذف مزایا و کاهش حقوقش باشد در حالی که برخی مدیران همچنان در اتاق‌های خنک و پشت میزهای مدیریتی برای زندگی کارگر تصمیم می‌گیرند.

متأسفانه برخی افراد از جمله آقای بلوکات در معاونت مالی شرکت برای جلب رضایت بانک و کسب امتیاز بیشتر اقداماتی انجام داده‌اند که نتیجه‌ای جز فشار بیشتر بر کارگران نداشته است. مدیری که باید مدافع حقوق کارگر باشد نباید تبدیل به ابزاری برای حذف حقوق و مزایای کارگر شود.

آقای بلوکات ما از جزئیات و پشت پرده کارهای شما باخبریم، از خانه‌ی اجاره‌ای بحساب شرکت در منطقه کوروش جهت رضایت و همسایگی فلان خانم... مطلعیم.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز سال‌هاست ثابت کرده‌اند که اهل سکوت در برابر ظلم و فساد نیستند. ما نه فراموش می‌کنیم و نه اجازه می‌دهیم حق کارگر به‌راحتی پامال شود. امروز بیش از هر زمان دیگری، مسئولین باید بدانند که امنیت و آرامش شرکت، در گرو حفظ کرامت و حقوق کارگر است، نه فشار، حذف مزایا و تصمیمات یک‌طرفه.

**\*تحصیل در سایه انفجار قیمت‌ها؛ دانشجویان به مهاجرت به هر قیمت یا اشتغال در مشاغل سطحی و نامربوط فکر می‌کنند.**

در شش ماهه اخیر، تورم و گرانی در ایران دیگر فقط یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه به تجربه‌ای روزمره از فرسایش زندگی تبدیل شده. در این چند ماهه، مردم نه تنها شاهد افزایش قیمت‌ها بودند، بلکه هر روز بخشی از امنیت روانی و امید خود را نیز از دست دادند. آمارها تصویری روشن از عمق بحران ارائه می‌کنند: نرخ تورم سالانه ایران در فوریه ۲۰۲۶ به بیش از ۶۲ درصد رسید و تورم مواد غذایی تا مرز ۹۹ درصد افزایش یافت. همزمان، ارزش ریال در بازار آزاد سقوط کم‌سابقه‌ای را تجربه کرد و در فروردین ۱۴۰۵ هر دلار آمریکا به حدود یک میلیون و هشتصد هزار ریال رسید.

اما پشت این اعداد، زندگی واقعی مردم جریان دارد، زندگی‌ای که به سرعت زیر فشار گرانی تحلیل رفته و به تلاشی برای بقا و گذران امروز و فردا رسیده. برای بسیاری از خانواده‌ها، خرید گوشت، لبنیات، میوه یا حتی اقلام ساده‌ای مانند برنج و روغن، دیگر بخشی عادی از سبد خرید نیست. مردم پیش از خرید، قیمت‌ها را چند بار مقایسه می‌کنند، کالاها را با تردید از قفسه برمی‌دارند و بسیاری از نیازهای خود را به تعویق می‌اندازند. تورم اضطراب را به بخشی ثابت از زندگی روزمره تبدیل کرده.

در این میان دانشجویان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه بودند، نسلی که امروز بخش بزرگی از انرژی‌اش را صرف مدیریت هزینه‌های ابتدایی زندگی می‌کند. هزینه خوابگاه، حمل و نقل، اینترنت، غذا و لوازم آموزشی که در این بازه زمانی جهش انفجاری داشته. بسیاری از دانشجویان مجبورند وعده‌های غذایی خود را تقلیل دهند، ساعات بیشتری کار کنند یا حتی به ترک تحصیل فکر کنند. برای دانشجویی که درآمد ثابتی ندارد، تورم ۶۰ درصدی فقط یک عدد اقتصادی نیست، بلکه یعنی هر ماه فقیرتر شدن، یعنی ناتوانی در برنامه‌ریزی برای آینده، یعنی تبدیل شدن دغدغه «تحصیل و آموزش» به دغدغه «زنده ماندن».

دانشگاه که باید محل تحصیل، خلاقیت و امید باشد، در این ماه‌ها بواسطه جنگ و گرانی برای بسیاری از دانشجویان به فضایی آمیخته با اضطراب و فرسودگی تبدیل شده. تمرکز بر درس دشوارتر و یا حتی غیرممکن شده، فاصله طبقاتی در محیط‌های دانشگاهی بیشتر به چشم آمده و احساس ناامنی اقتصادی، حتی روابط اجتماعی و روان دانشجویان را تحت تأثیر قرار داده. برخی دانشجویان با وجود استعداد و انگیزه، تنها به دلیل فشار مالی از ادامه مسیر بازماندند و به مهاجرت به هر قیمت یا اشتغال در مشاغل سطحی و نامربوط فکر می‌کنند، واقعیتی تلخ که نشان از نابودی فرصت‌های انسانی دارد.

دیدن قیمت‌هایی که هر هفته تغییر می‌کنند، حذف تدریجی خواسته‌ها، و زندگی‌ای که در آن آرزوها کوچکتر و به مرور فراموش می‌شوند: بحران اقتصادی تنها جیب مردم را خالی نکرده، امید نسل جوان به آینده خود و کشور را از بین برده. دانشجویی که باید آینده را بسازد، درگیر تامین ابتدایی‌ترین نیازهای امروز شده و چنانچه حمایت و تسهیلات مضاعفی به داد او نرسد، از آغاز یا ادامه تحصیل باز می‌ماند.

## \*پیام همبستگی تشکل های مستقل کارگری ایران به کارگران، اتحادیه ها و تشکل های کارگری همه کشورهای جهان

با دروهای گرم و رفیقانه به همه تشکل های کارگری و تمام مبارزان راه آزادی طبقه کارگر که به مناسبت یکصد و چهاردهمین کنفرانس سازمان جهانی کار در شهر ژنو گرد هم آمده اید .

گردهمائی شما تأکیدی بر ضرورت اتحاد طبقاتی کارگران سراسر جهان و یاد آور این حقیقت است که آزادی طبقه کارگر تنها به دست خود این طبقه میسر است.

رفقای کارگر!

نظام سرمایه داری با لجام گسیختگی و یکه تازی، به راه انداختن جنگ های منطقه ای و تشدید خطر جنگ جهانی سوم تلاش دارد تا استثمار کارگران را در سراسر جهان تداوم و شدت بخشد و بار سنگین بحران های سرمایه داری را بر دوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد. یک نمونه مشخص جنگ های سرمایه داری، «جنگ چهل روزه» ای است که بر کارگران و توده های مردم ایران تحمیل شده و احتمال از سرگیری آن به اشکال مختلف و در آینده نزدیک یا دور وجود دارد. جنگ چهل روزه، یک جنگ تجاوزگرانه از سوی امپریالیسم آمریکا و رژیم اسرائیل برای تحقق اهداف سلطه گرانه آنها در جهان و در منطقه خاورمیانه و با هدف براندازی یا تضعیف و به تسلیم وادار کردن رژیم جمهوری اسلامی رخ داد تا نفوذ پان اسلامیسیم جمهوری اسلامی و سلطه طلبی منطقه ای این رژیم را به نفع امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم خنثی سازند. بدین سان علاوه بر سلطه طلبی امپریالیسم آمریکا و توسعه طلبی رژیم اسرائیل در خاورمیانه، سیاست های واپسگرایانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی، بویژه تلاش های این رژیم برای گسترش نفوذ سیاسی و نظامی خود در منطقه، یکی از عوامل مؤثر در تشدید تنش ها و درگیری های منطقه ای بوده و جنگ افروزی قدرت های تجاوزگر را تسهیل کرده است .

طبقه کارگر ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی؛ سال هاست به درجه ای غیر قابل تحمل از این بحران ها آسیب می بیند. ساختار سیاسی حاکمیت سرمایه داری ایران ابتدائی ترین حقوق انسانی را از کارگران و توده های زحمتکش سلب کرده و فروپاشی اجتماعی را به وجود آورده است. سرکوب کارگران، زنان، دانشجویان و روشنفکران، فعالان حقوق اقلیت های ملی، منع فعالیت طرفداران حقوق بشر، برقراری اختناق و سانسور، قطع اینترنت و بی خبری شیوه عام حکومت در ایران است که با زندان، شکنجه و اعدام های بی وقفه تحقق می یابد. تورم، فقر، گرانی، بیکاری، اخراج از کار و پایین بودن سطح مزد ها، شیوه های «قانونی» و رایجی هستند که مجلس و دولت با تصویب قوانین ضد انسانی و ضد کارگری، بر زحمتکشان جامعه تحمیل می کنند. هرگونه اعتراض به وضع موجود زیر عنوان «اختلال در امنیت کشور» جرم تلقی می شود. حق تشکل و ایجاد سندیکا ها و یا اتحادیه های کارگری و مبارزه برای قوانین بنیادین کار از سوی دستگاه قضائی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی «محرابه با نظام» تلقی می گردد که شدیدترین مجازات ها و از جمله حکم اعدام را با خود دارد.

جمهوری اسلامی به عنوان یکی از اعضای سازمان جهانی کار موظف به رعایت کنوانسیون های بنیادی این سازمان، از جمله آزادی تشکل و پیمان های جمعی است. اما این رژیم هرگز تصمیمات کنوانسیون ها، مقوله نامه ها و قوانین بنیادین کار را رعایت نکرده و برای آنها کوچکترین احترام و الزامی قائل نبوده است. لیکن به رغم هشدارها و آگاه گری های فعالان و تشکل های کارگری مستقل ایران و جهان، نهادهای وابسته به رژیم جمهوری اسلامی مانند « کانون عالی شورای اسلامی کار » نمایندگان خود را به جای نمایندگان مستقل و واقعی تشکل های کارگری به کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار می فرستد. تأسف بار تر اینکه این افراد وابسته به رژیم و پایمال کنندگان حقوق کارگران توانسته اند حتی به عضویت هیئت مدیره و سایر کمیته ها نیز ارتقا یابند. از این رو ما، به عنوان بخشی از کارگران و تشکل های مستقل کارگری و بازنشستگان خواهان طرد نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و شرکت نمایندگان واقعی و مستقل کارگران در این سازمان هستیم.

مستحکم باد اتحاد طبقاتی کارگران همه کشورها!

۷ خرداد ۱۴۰۵

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان

### **\* عفو بین الملل: سرکوب گسترده در ایران تحت پوشش شرایط جنگی**

سران حکومت ایران از پوشش آنچه «شرایط جنگی» می نامند برای تشدید سرکوب مخالفت ها از طریق بازداشت های گسترده و خودسرانه، تسریع روندهای قضایی به شدت ناعادلانه، اعدام های با انگیزه سیاسی، احکام سنگین زندان و مصادره اموال استفاده می کنند.

از زمان حمله نظامی غیرقانونی آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، مقام های ایرانی بیش از ۶۰۰۰ نفر را به طور خودسرانه بازداشت کرده اند؛ از جمله معترضان، روزنامه نگاران، وکلا، مدافعان حقوق بشر، دگراندیشان و اعضای اقلیت های قومی و مذهبی. مقام های ارشد قضایی دستور داده اند که پرونده بازداشت شدگان، از جمله اتهام هایی که مجازات اعدام دارند، به صورت فوری رسیدگی شود؛ این در حالی است که نگرانی های گسترده ای درباره ناپدیدسازی قهری، شکنجه و دیگر بدرفتاری ها، و استفاده از «اعترافات» اجباری در محاکمه های نمایشی و به شدت ناعادلانه وجود دارد. در همین دوره، مقام ها احکام زندان چند ده ساله برای افراد صادر کرده و دست کم ۳۹ اعدام سیاسی انجام داده اند.

سران حکومت با قطع اینترنت، بیش از ۹۰ میلیون نفر را به طور سیستماتیک در انزوا قرار دادند و با اجرای طولانی ترین و خفقان آورترین قطع اینترنت ثبت شده به مدت ۸۸ روز، حق دسترسی آزاد به اطلاعات را نقض کردند. همچنین فعالیت آنلاین را تحت عنوان «جاسوسی» - که مجازات آن اعدام است - جرم انگاری کردند. اینترنت در تاریخ ۲۶ مه ۲۰۲۶ با محدودیت هایی دوباره وصل شد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)